



انتخابات، مردم و حزب حکمتیست

گفتگوی رادیو پرتو با ثریا شهابی

باید از سر بگذرانند، و چیزهای دیگر. شما گرهی ترین مساله این "انتخابات" برای جمهوری اسلامی و در صحنه سیاسی ایران را چگونه ارزیابی میکنید؟

ثریا شهابی: بنظر من گرهی ترین مسئله انتخابات باز هم همان بقول شما "بلاي مردم" است. "بلاي مردم" و از سر گذاراندن مراسم کفن و دفن پروژه اصلاحات و ندادن فرصت به مردم برای استفاده از این مراسم برای پیشروی بیشتر، مهمترین گره گاه و مسئله این انتخابات است. به نظر من جمهوری اسلامی با تند پیچی در ایجاد تعادل و آرایش جدید میان جناحهای رقیب در قدرت، روبرو نیست. بی تردید رقابت افراط و تفریط

مصطفی اسدیپور: جمهوری اسلامی و آینده آن، دو خرداد و سرنوشت اصلاحات، روند "انتخابات" ریاست جمهوری، جاننشینی برای خاتمی است. آنچه تا اینجا شاهد آن هستیم، آمادگی جناحها، یارگیری ها، و مزمه کردن پلاتفرم های گوناگون است. چگونگی تا کردن مردم با این نمایش از سوالات مهمی است که از پرداختن به آن گریزی نیست. اما این تنها سوال بالای سر تدارک بینندگان و جناحهای مختلف نیست. باید از جمله دید که شورای نگهبان، یا به عبارت درست تر، منافع رژیم چگونه لیست نهایی و آرایش کاندیداها و مبارزه انتخاباتی آنها را رقم خواهد زد. تا همینجا مسائل سیاسی متعددی در رابطه با جمهوری

سرمایه داری بحران زده ایران تاوان سرپا نگه داشتن خود را تماما بر دوش کارگران انداخته و تعرض وسیعی را به سطح معیشت طبقه کارگر شروع کرده است. تصویب و تحمیل یک قانون کار ضد کارگری که تشکل مستقل کارگری و اعتصاب را به رسمیت نمیشناسد، خروج کارگران کارگاههای کوچک از شمول هرگونه قانون، طرح تعدیل و اخراج وسیع کارگران و سرانجام گسترش کار قراردادی موقت تا سطح ۷۰ درصد کارگران، سیاستهای ضد کارگری یکی پس از دیگری و تاکنون رژیم بوده است.

عوارض کار قراردادی موقت

کار قراردادی موقت باید لغو گردد!

مظفر محمدی

سرمایه داری در همه جای دنیا کار ارزان و کارگر خاموش میخواهد حتی اگر به قیمت تباهی نسلهای کارگر تمام شود. این سیاست رسمی سرمایه داری و رژیم اسلامی آن در ایران بوده و هست. طبقه کارگر در مقابل این تعرض هیچ حفاظی ندارد.



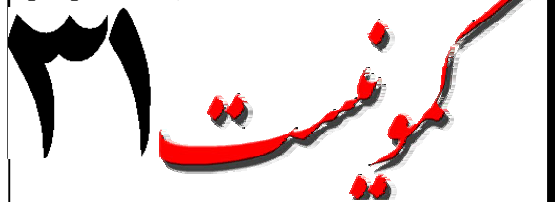
mozafar_mohammadi@yahoo.com

برای طبقه کارگر به شدت مخرب و زیانبار بوده است. در این شگرد برده دارانه، کار و زندگی و سرنوشت کارگر و خانواده او مدام در معرض نابسامانی و فروپاشی است. کارگری که امنیت شغلی ندارد از همه مزایای استخدام ثابت، مانند

صفحه ۲

از مبارزه دانشجویان بصره علیه توحش اسلاميون حمایت کنید

کمیپن حزب کمونیست کارگری عراق و فدراسیون اتحادیه ها و شوراهای کارگری عراق



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۵ فروردین ۱۳۸۴ - ۲۵ مارس ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سردبیر: اعظم کم گویان



در مرحله تدارک نگاهی به اوضاع سیاسی ایران ایرج فرزاد

Iraj.farzad@gmail.com

تنش و تشنج در رابطه بین آمریکا و اروپا از یک طرف و جمهوری اسلامی از طرف دیگر کماکان مشغله دوا بر سیاسی سردمداران هر دو طرف است.

خامنه ای در جمع مخاطبین خود در سخنانی به مناسبت نوروز، ضمن اینکه در رابطه با تهدیدات آمریکا گفت که جمهوری اسلامی "مانند دولتمردان آمریکا جنگ طلب" نیستند، اما تاکید کرد که "اگر تجربه تلخی برای ملت پیش آید، بنده نیز لباس رزم می پوشم و آماده فداکاری می شوم."

البرادعی گفته است که مذاکرات مثبت برای توافق با ایران ادامه دارد و او سعی میکند از مقامات آمریکائی تضمین بگیرد که به امنیت جمهوری اسلامی لطمه وارد نشود. بوش نیز که به مناسبت نوروز به مردم ایران پیام داده بود و بر تصمیم خود برای دفاع از "نیروی دموکراسی" در ایران پافشاری کرده بود، در عین حال تاکید کرد که "مبارزه با تروریسم" را کماکان در

دستور خود دارد و گفت حاضر نیست به سران جمهوری اسلامی چنین تضمینی بدهد. پلر نخست وزیر انگلیس در آخرین مصاحبه اش در مورد جمهوری اسلامی و مساله مداخله نظامی گفته است: "بگذارید در حال حاضر مسیر دیپلماتیک را دنبال کنیم، در حال حاضر هیچ کس درباره ی اتخاذ روش دیگری در این خصوص صحبتی نمی کند."

در همان حال فیشر وزیر خارجه آلمان اظهار کرده است که "جمهوری اسلامی در زمینه حقوق بشر و پیشرفت ایران در مسیر دموکراسی موفقیت چشمگیری نداشته است"

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

افزایش دستمزد، مزایای کار، بیمه های اجتماعی، بیمه بیکاری و حقوق بازنشستگی و استفاده از مرخصی ها و غیره محروم میشود. علاوه بر آن نمیتواند خود را متشکل کند و عضو شورا و سندیکای کارگری شود. کارگر برده ای است که کارفرما برای مدتی موقت به خدمت میگیرد و بعد او را مرخص میکنند و یا اگر خواست مدت کارش را تمدید میکنند.

در این شیوه ضد انسانی، کارگر خود را صاحب کار نمیداند، فاقد هر گونه حفاظی است. این شگرد، طبقه کارگر را به مثابه طبقه ای که چرخهای تولید را در جامعه در دستهای توانای خود دارد، از هم میپاشد و اتحاد و اجتماعش را زیر یک سقف تخریب میکند.

در چنین شرایطی هیچ کار پایدار و ادامه کاری مقدور نیست. کارگر تا بخواهد اتحاد و تشکل کارگری را بنیان نهد و یا مبارزه ای را سازمان بدهد، مدت قراردادش به عنوان عضو حاضر در کارخانه و محل کار تمام شده و دیگر کارگر جایی نیست. کار قرارداد موقت علاوه بر آن پهنانه ایست در دست کارفرما تا به وسیله آن کارگر مبارز و معترض را ساکت کند و یا در

صورت احساس خطر و تعرضی از جانب کارگر، او را به پشت درب کارخانه میفرستد. در این شکر ضد کارگری، سنتی تثبیت نمیشود، اتحادی شکل نمیگیرد و مبارزه ای به نتیجه نمیرسد. تا بجنبی و تا دهان باز کنی قرارداد تمام شده و دیگر سقفی بر بالای سر کارگر نیست. در این شگرد غیرانسانی کارگر محافظه کار میشود، دستش به کلاه خودش است، فاقد اعتماد بنفس و اتکا به نیروی جمعی است. در این شرایط برده وار کارگر تنها است.

کارگر شاغل نیز از مضرات کار قراردادی موقت در امان نیست. زمانی که کارگر بوفور در خیابان هست، حتی کسی که امروز کار میکند چند ده روز بعد قرارداد کارش تمام میشود و ممکن است تمدید نگردد، کارگر شاغل هم احساس امنیت نخواهد کرد و زبان کارفرما همیشه دراز و منت و فشارش بر کارگر روزافزون است.

کار قرار دادی موقت و کوتاه مدت از ۸۹ روز و یک ماه و حتی صحبت از کمترش هم هست، برای برون رفت نظام اقتصادی ایران از بحران و راه شکوفایی آن تعیین شده است. با وجود این به صرفه بودن

کار قراردادی موقت برای سرمایه و بیحقوقی کامل کارگر در نتیجه آن، بحران اقتصادی رژیم اسلامی را تا کنون حل نکرده و نمیکند و باعث سرازیر شدن سرمایه ها به ایران نشده است. چرا که بحران رژیم در اساس بحران سیاسی و حکومتی است. اما از حق نگذریم که این شرایط برده وار کار، امکان بچاپ بچاپ کارفرماها و دولتیها را که کارخانه ها و اموال و داراییها را تصاحب کرده اند، بیشتر کرده است. این شرایط برای جیب دزدان دارایی مملکت، شکوفایی است. در مقابل، راه تباهی نسلهای طبقه کارگر هم هست. کارگر را تا سینه دیوار به عقب هل داده اند. این آخر خط است.

نفس تعرض کارفرماها و دولت به سطح معیشت کارگران تا هل دادن طبقه کارگر به نازل ترین سطح معیشت و ناامن ترین شرایط شغلی، مانع قراردادهای موقت کار و از هم پاشاندن شیرازه کار و زندگی کارگران، اعتراضات و مبارزات کارگری مستمری را به دنبال داشته است. اما این

مبارزات هنوز جلو تعرض کارفرماها و دولت را نگرفته است. نوبت تعرض کارگران خیلی وقت است فرارسیده است. لغو کار قراردادی موقت شعار سراسری طبقه کارگر

است و باید به اعتصاب و مبارزه است و این، مبارزه سراسری طبقه کارگر را میطلبد. باید موانع سر راه این مبارزه را برداشت.

است و این، مبارزه سراسری طبقه کارگر را میطلبد. باید موانع سر راه این مبارزه را برداشت.

راديو پرتو روی طول موج کوتاه!

هر شب از ساعت ۸ بوقت تهران به مدت نیم ساعت

SW 49 Meter 5810 KHZ

Tel: 0046 707

399 868

طول موج و برنامه های راديو پرتو را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید

www.radiopartow.com

ایادعلاویها و جلال طالبانی های آینده ایران در شرایط محتمل دخالت نظامی و یا تشدید تشنجها بین آمریکا و اروپا و جمهوری اسلامی خواهند بود، فلسفه پیامها و ندانسته تسلیم این سیاست مخرب میشوند. باید به این روش خاتمه داد. طبقه کارگر باید به اعتصاب و مبارزه

هشدار میدهد که " در خلیج فارس با آتش بازی نکنید "

در چنین بستری است که الترناتیوهای مختلف برای شرایط محتمل درگیری و مداخله نظامی در ایران فعالیت میکنند و رفراندوم به بخشی از پیام نوروزی رضا پهلوی تبدیل میشود. در چنین اوضاعی است که بیانیه ۵۶۵ "فعال و اندیشمند" داخل کشور بعنوان بدیلی در برابر نیروهای اپوزیسیون راست قد علم میکند که در آن آشکارا تاکید میشود اگر بحثی از شایسته سالاری در میان است، اگر بحثی از اپوزیسیون "اصیل" و مخالف براندازی و مخالف "خسونت" در بین باشد، این را آنها نمایندگی میکنند! جدال در مورد اینکه کدامین نیروها، کزازی ها و چلبی ها و

دستیابی رژیم صدام حسین به سلاح کشتار جمعی فقط بهانه ای بود برای توجیه از پیشی حمله ای که قبلا نقشه آن ریخته شده و بودجه لازم به آن اختصاص یافته بود.

در هر حال یکسره نشدن وضعیت عراق، بی ثباتی در آن جامعه و نا امنی ناشی از حضور نظامی آمریکا و فعالیت نیروهای اسلام سیاسی، برنده شدن نیروهای طرفدار و مدافع جمهوری اسلامی در "انتخابات" اخیر، سران جمهوری اسلامی را در موقعیتی قرار داده است که خامنه ای را لباس رزم برتن کرده در برابر شاخ و شانه کشیدنیهای بوش قرار داده است و رفسنجانی با توجه به فعال شدن نیروهای اسلامی در خاورمیانه، در عراق و فلسطین و لبنان به غرب

"دمکراسی" در "صربستان و گرجستان و اوکراین و عراق و افغانستان" بر حمایت خود از مواضع "جهان آزاد" (به سرکردگی بوش!) از مردم ایران انگشت گذاشته است.

و این تحرکات و مواضع و اظهار نظرها البته خود نشان از مخاطراتی است که بر فراز جامعه ایران در پرواز اند. قبل از حمله نظامی آمریکا به عراق ما شاهد قسم و آیه خوردن برای "اجتناب" از درگیری نظامی و جستجوی راه حلهای "مسالمت آمیز" نیز بودیم، شاهد بهانه جوتیهها و پرونده سازیها در تدارک مقدمات درگیری نظامی بودیم و جهان اکنون میداند و خود سران دولت آمریکا هم میدانند که بحث خطر

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

بقیه از صفحه ۱

جناحها در درون رژیم سرتاپا بحران زده رژیم وجود دارد اما نه در آن سطح و ابعادی که در دور قبلی انتخابات وجود داشت. جنگ مرگ و زندگی جناحها، جنگ دوخرداد و جناح به اصطلاح "اقتدارگرا" و انحصارطلب، دعوی قوا مقننه و اجرائیه با قوه قضائیه و امام و شورای نگهبان، دیگر به سر آمده است. این را مردم با عبور از دوخرداد و با عبور از خاتمی و بی رنگ کردن حنای تقلبی اصلاحات در رژیم اسلامی، به کرسی نشانند. پروژه اصلاحات و دوخرداد، مرده است. این را حتی خود دوخردادی های دوآتشفه هم اذعان میکنند. در صحنه بین المللی هم دولت های طرفدار "اصلاحات" دوخردادی ها و طرفداران "دیالوگ تمدن ها" دکانشان را تخته کرده اند. همه قبول کرده اند که این رژیم را راه نجاتی نیست و باید برود. تفاوت بر سر چگونه رفتن و شرایط بعد از رفتن رژیم است.

برای مردم شرکت یا عدم شرکت در انتخابات موضوعی خارج از دستور است. کسی پرایش فرق نمی کند کدام آخوند با چند وجب عمامه جلو یا عقب، با چه رنگ عمامه، و با چه اندازه دهان خندان، سید یا غیر سید، قرار است جای خاتمی بنشینند. و پرایش فرق نمی کند که حتی یک "فوکل کراواتی" هم جای عباو عمامه بر تخت ریاست جمهور بنشینند و بقول شما "مستاجر تازه کاخ سعدآباد تهران" شود. نه به خاطر خصوصیات خاتمی و رفسنخانی یا معین، بلکه به خاطر اینکه از شرکت یا عدم شرکت، از تحریم یا عدم تحریم این انتخابات، مردم احساس نمی کنند که میتوانند پیشروی بفتح خود و علیه کل رژیم بدست بیاورند.

این میدان مردم نیست. دور قبل رای آری مردم به خاتمی نه به کاندید نظام ناطق نوری بود و سرپیچی میلیونی از فرمان امام. همانطور که گفتم این

انتخابات مراسم کفن و دفن پروژه "نجات بخش" دوخرداد است. این مراسم مردم نیست اما مردم میتوانند در آن کارهای زیادی به نفع خود انجام دهند و بسیار محتمل است که انجام دهند. فرصت خوبی برای پیشروی مردم است که این انتخابات، که نامیدن نام انتخابات بر آن مسخره است، را به سکویی برای قدرتمند تر شدن خودشان در جنگ شان با همه حکومت اسلامی، تبدیل کنند.

مصطفی اسدپور: روح تازه ای در کالبد اصلاح طلبی، فردی قدرتمند فرا جناحی و یا همه اهرم های قدرت بدست تندرورها. آیا شما هم این سه شق را میداندار صحنه سیاسی چند ماهه آتی میبینید؟

ثریا شهبایی: مطلقاً نه! دوخرداد خیلی پیشتر از اینها مرد. کالبد مرده دیگر گندیده تر از آن است که هیچ نفس جادویی بتواند در آن روح حیات بدسد. دو خرداد در ۱۶ آذر ها و ۱۸ تیر ها و ۸ مارس ها و جشن های آدمک برفی ها و اعتصابات معلمان و کارگران و اعتراضات جوانان و دانشجویان و زنان، تماماً مرخص شد. تصور نمیکنم خوش خیال ترین طرفداران و فعالین پروژه دو خرداد، کمترین امیدی به نجات آن داشته باشد. واقعیت این است که صف بندی های جدید در اپوزیسیون بوجود آمده است و به تبع آن بی تردید در حاکمیت صف بندی ها و جناح بندی های جدیدی شکل خواهد گرفت که اساساً حول سؤال چگونگی مقابله با جنبش سرنگونی است. امروز همه سرنگونی طلب شده اند. اما بعضی ها سرنگونی با حفظ نظام را میخواهند و مردم و سرنگونی تمام نظام را میخواهند.

به نظر من صحنه سیاسی چند ماهه آتی، نه صحنه جنگ و جدل جناحهای رژیم، اپوزیسیون های در حاکمیت و طرفدار رژیم، که صحنه تقابل آلترناتیوها، تقابل

راست و چپ، صحنه ابراز وجود بیشتر مردم و ابراز وجود جنبش سرنگونی خواهد بود. اگر در حکومت تقابل و روبرویی جدی بین این و آن آخوند و یا این و آن مرد "آهنین" و "قدرتمند" صورت بگیرد، تحت تاثیر و در پاسخ به آن چیزی است که مردم میکنند. دسته بندی قدیمی داخل رژیم تمام شد. هر نوع دسته بندی دیگری، بی تردید تلاشی برای مقابله با حرکت رادیکال مردم و جنبش سرنگونی خواهد بود.

اگر رژیم و مهره های بی خاصیت شده دوخرداد و جناح بندی های قبلی را به حال خود بگذارید، دلشان میخواهد که همه چیز فقط آرام بگذرد و این انتخابات و مراسم کفن و دفن را به "خبر" بگذرانند. خودشان برنامه تقابلی با هم ندارند. خیلی بیشتر از اینها با هم متحد اند، اگر مردم امانشان بدهند! اگر بین شان صف بندی بوجود آید، این صف بندی دیگر نه حول اصلاحات یا انحصار قدرت بین خودشان، که بر سر نحوه سرکوب مردم و نحوه برخورد به جنبش سرنگونی بطور مستقیم است.

مصطفی اسدپور: اینکه دخالت مردم بتواند مسیر پیش بینی شده جمهوری اسلامی را بهم بریزد، زیاد مورد اشاره قرار میگیرد. مردمی در کمین به خاک مالیدن پوزه سمبل هایی از رژیم، مردمی در صدد بهم ریختن صفوف قدرتمداران، مردمی در کمین استفاده از فرصت مجادلات انتخاباتی، مردم از نظر شما کجای این صحنه هستند؟ به نظر شما کجای این صحنه باید باشند؟ حکمتیست یا خود را برای چه دعوتنامه ای به مردم آماده میکنند؟

ثریا شهبایی: دقیقاً اوضاع آنطور است که شما میگوئید. مردم میتوانند مسیر پیش بینی شده انتخابات را بهم بریزند. این فرصت طلایی است. به نظر من مردم در محور پروسه انتخابات و نتایج آن اند. نه به این معنی که شرکت یا عدم شرکت شان،

تغییری در اوضاع ایجاد خواهد کرد. نه به این معنی که لازم است خود را قاطعی تحریم انتخابات و .. کنند و یا مثلاً تلاش کنند که تعدادی را راضی کنند که رای ندهند. وضع فراتر از این شوخی های تحریم و تشویق های انتخاباتی است. رژیم منفورتر، بی اعتبارتر و رسواتر از آن است که حتی اگر ۱۰ درصد رای هم از صندوقی به نفع خود در آورد، کسی اساساً باورش کند. اینها بگویند ماست سفید است مردم میگویند سیاه است. به نظر من تحرک مردم و نحوه استفاده مردم از این فرصت، در محور مسئله انتخابات است. اتفاقات زیادی میتواند بیفتد. مستقل از اینکه رژیم در انتخابات چه میکند. اینکه مردم از این فرصت طلایی چگونه استفاده میکنند که میخ دیگری بر پیکر نیمه مرده جمهوری اسلامی بزنند، و اینکه مردم چگونه کل این انتخابات بازی را به سکویی برای قدرتمند تر شدن خودشان تبدیل میکنند، محوری ترین مسئله انتخابات است. به نظر من مردم نباید در مسئله انتخابات، به واقعیت نزدیک کنند. کارهای زیادی میتوان کرد. با توجه به توازن قوا دامنه وسیعی از ابتکار عمل وجود دارد و مردم تجربه غنی در این مورد دارند. ما از کنترل محلات، از پاک کردن محله، محل کار و مدرسه و ... از نشانه های حاکمیت اسلامی صحبت میکنیم. انتخابات صمدیای جهانی را متوجه ایران میکنند. در شرایط انتخابات، سیاست و حاکمیت ایران بار دیگر در بعد وسیع در سطح داخلی و بین المللی زیر ذره بین قرار خواهد گرفت. هرکس در این مورد از طرف مردم ایران حرفی میزند. و غالباً این حرفها که از جناح راست شنیده میشود برخلاف منافع مردم است. در این شرایط حضور مردم و اعلام خواسته های مردم مهم است. نباید گذاشت در شرایط انتخابات از طرف مردم انواع و اقسام طرح های ضد مردمی مثل تهدیه حمله نظامی آمریکا و یا سرهم

کردن شترگاولنگ رفتن و بیابانه ۵۰۰ و ۶۰۰ نفره دگراندیشان راست که طرح هایی در مقابل اراده و دخالت مردم است، دست بالا پیدا کنند. بنام مردم در جریان انتخابات کارهای زیادی میتواند صورت بگیرد. حزب ما در مقابل انواع و اقسام طرح هایی که از طرف راست مطرح میشود، طرحهایی که میخواهد ساختار سیاسی و نظامی اسلامی را حفظ کند و آن را از بالای سر مردم و بدون دخالت مردم دست بدست کند و مردم را برای ۲۶ و ۳۰ سال دیگر برای گرفتن خواسته های آزادیخواهانه و برابری طلبانه شان دنبال نخود سیاه بفرستد، منشور سرنگونی رژیم را مطرح کرده است. این منشور چکیده خواسته های مردم و شرایط پیروزی آنها و راه جلوگیری از عراقیزه شدن ایران و تامین امنیت مردم و شرایط حفظ آزادیهای بدست آمده و خنثی کردن تحرکات دستجات اسلامی را مطرح کرده است. طبعاً حرب ما تلاش میکند که مردم را وضعیت کنونی این بیابانه را بعنوان منشور آزادی خود از شر حکومت قرون وسطایی اسلامی، بدست بگیرند. بنظر من روزهای انتخابات میتوان در و دیوار شهرها را پر از مطالبات این منشور کرد. میتوان جاهایی به تناسب قوا، آنها را به نیروی خود و به نیروی جوانان به اجرا در آورد. مثلاً کنترل محلاتی را بدست آورد، جمهوری اسلامی را از مناطقی پاک کرد. مظاهر حکومتی اش را پاک کرد. جوانان و زنان و فعالین حقوق انسانی در ایران با این شیوه ها آشنا هستند.

مصطفی اسدپور: جمهوری اسلامی سخت درگیر کشمکش های بین المللی است. روابط متعارف با جهان بیرون و خصوصاً غرب دلمشغولی آنهاست. مساله اتمی هم کماکان به قوت خود باقیست. دولت امریکا هم در کمین نشسته است. دوره "انقلابات مخملی" هم هست. آیا فشارهای بین المللی و دینامیسم ناراضی

به سازمان جوانان گمونیست - حکمتیست به پیوندید!

از مبارزه دانشجویان بصره علیه توحش اسلامیون حمایت کنید

کمپین حزب کمونیست
کارگری عراق و
فدراسیون اتحادیه ها و
شوراهای کارگری عراق

طبق اطلاعیه مورخ ۱۵ مارس
نماینده‌گی خارج کشور
"فدراسیون اتحادیه ها و
شوراهای کارگری عراق"،

دانشجویان دانشگاه بصره
همراه با صدها دانش آموز و
گروههای وسیعی از مردم
آزادبخواه این شهر علیه
توحش اسلامیون وابسته به
جمهوری اسلامی ایران و باند
مقتدا ال صدر تا امروز در
اعتصاب و تظاهرات بسرمی
برند. طبق این اطلاعیه،
گروهی از باندهای وابسته به
جمهوری اسلامی و مقتدا ال
صدر روز ۱۵ مارس به پیک
نیک دانشجویان مهندسی
دانشگاه بصره حمله کرده و
پس از ضرب و شتم
دانشجویان و تخریب وسائل
آنها به دانشجویان دختر
بخصوص دانشجویان مسیحی
حمله کرده و لباسهای آنها را
پاره کردند. یکی از
دانشجویان که تلاش کرد از

دختر دانشجویی گیر افتاده در
چنگ اسلامیون دفاع کند با
شلیک گلوله آنها از پای
درآمد. بدنال این واقعه،
دانشجویان خشمگین بصره
در دانشگاه دست به اعتصاب
زدند و هزاران نفر از مردم و
دانش آموزان به اعتراض حق
طلبانه آنان پیوستند.
نماینده‌گی "فدراسیون
اتحادیه ها و شوراهای
کارگری عراق" در خارج،
ضمن تأکید بر مبارزه
آزادبخواهانه و سکولاریستی
دانشجویان بصره، خواهان
محاکمه اسلامیون مسبب این
جنایت شده و کلیه فعالین
کارگری و آزادیخواهان جهان
را به حمایت از دانشجویان و
مردم عراق فراخوانده است.
خوانده است.

تلفنهای تماس:

آسو جبار:

۰۰۴۱ ۷۸ ۸۸۲۵۵۸۹

دشتی جمال: ۰۰۴۴

۷۷۳۴۷۰۴۴۲

هوزان محمود: ۰۰۴۴

۷۹۵۶۸۹۳..۱

وب سایت

www.uui
raq.org

دست بالا داشته باشد. تلاش
ما این است که منشور
سرنگونی به پرچم سراسری
جنبش سرنگونی تبدیل شود
و همه را فرامیخوانیم که برای
سرنگونی قطعی و کم درد
رژیم و برای به پیروزی
رساندن مردم به زیر این
پرچم گرد آیند. راه حل های
رفراندم و بیانه های ۵۰۰ و
۶۰۰ نفره که کمترین خواست
مردم را بیان نمی کنند،
علیرغم ظاهر نرم و نازکشان،
سناریوهای خطرناک و تباه
کننده ای هستند. اینها
میخواهند یک اسلام سیاسی
در خیابانها و بخشی را در
حاکمیت نگاه دارند.
میخواهند شتر گاو پلنگی
مذهبی و قومی و قبیلہ ای
مثل افغانستان و عراق بنام
حکومت سر هم کنند به نام
پیروزی مردم و سرنگونی
رژیم قالب کنند. ما نمی
گذاریم و همه تلاش ما برای
سرنگونی رژیم و جلوگیری از
این سناریو ها است. و این به
نظر من بالغ ترین و مسئولانه
ترین کاری است که یک
جریان کمونیست اجتماعی و
واقع بین و معتبر میتواند
انجام دهد

فرستادن آنها به خانه است.
تا زمین برای آنها و معامله و
ساخت و پخت با اسلامی ها
در مورد سرنوشت آینده
ایران، باز بماند. کار ما پیش
بردن جنبش خودمان، یعنی
جنبش سرنگونی رژیم و به
پیروزی رساندن مردم است.
طبعاً منشور سرنگونی علیه
رژیم است اما در به کرسی
نشاندن آن ما بی تردید باید
راست و نیروهایی که مانع
دخالت مردم و مانع پیروز
شدن مردم هستند را به
مردم بشناسانیم. کار ما در
دل این انتخابات بی تردید
متشکل کردن و متحد کردن
بیشتر مردم حول مطالبات
خودشان و منشور سرنگونی
رژیم است. کار ما خارج کردن
کنترل اوضاع از دست رژیم و
سپردن آن بدست مردم
است. هر چه مردم قدرتمند
تر باشند ما و حزب ما قوی
تریم و امکان دخالت بیشتری
داریم، و برعکس. هرچه
اعتصابات کارگری، معلمان،
هشت مارسها، جشن آدمک
برفی ها و مبارزات مردم علیه
اعلام و سنگسار و برای
آزادی رنداینان سیاسی و
برای آزادی عقیده و بیان و
علیه فقر، بالا تر بگیرد، ما
موفق تریم. ما بخش متحزب،
متشکل، رادیکال و
سوسیالیست جنبش سرنگونی
هستیم و تلاش میکنیم که
جنبش مان در جنگ برای
مرخص کردن رژیم اسلامی

حزب ما مطرح کرده است،
بیانیه و منشور پیروزی مردم
و سرنگونی رژیم است.
جمهوری اسلامی میتواند
برود و ایران عراقیزه شده
باشد. اگر مردم در راس
جنبش سرنگونی خود قرار
نگیرند و اگر راست بتوانند
مردم را به خانه بفرستند. این
چیزی است که ما در مقابل
آن ایستاده ایم و جنبش ما،
جنبش آزادی و برابری در
مقابل آن ایستاده است.
تقابل بین این دو وضعیت و
نیروهای این دو وضعیت
است.

مصطفی اسدپور: مردم
ناراضی اند. در حال اعتصاب
و در حال کشمکش بر سر
شعائر اسلامی و تقابل های
مشابه هستند. شما تقابل
فاکتورهای اساسی چون
مردم، شرایط سیاسی امروز
ایران، و مقوله ای به اسم
انتخابات ریاست جمهوری را
چگونه میبینید؟ سیاست
پیش روی حزب حکمتیست
به جلو کدام است؟ به کدام
سمت میروید؟

ثریا شهابی: فاکتورهایی که
شما به آن اشاره کردید،
واقعی است. بنظرم انتخابات
موجبی شده است که راست
کمپین وسیعی برای بی
خاصیت کردن مردم راه
بیاندازد. رفرندم و بیانیه ۵۰۰
و ۶۰۰ نفر دگراندیشان، طرح
های مرخص کردن مردم و

شق محتمل. ایران نه لبنان
است و نه اوکراین. و حکومت
ایران شباهتی به حکومت این
کشورها ندارد. همین الان
رژیم ایران علیرغم اینکه
آمریکا ظاهراً نرمش نشان
داده است و اعلام کرده است
که در اعمال فشار اقتصادی
به ایران تخفیف میدهد و
اجازه صدور قطعات
هواپیمای مسافر بری را صادر
کرده است، رژیم ایران اعلام
کرده است که با این وجود از
برنامه غنی سازی اورانیوم
دست بر نمی دارد. به زبان
ساده سران رژیم میدانند که
آنها را دارد و مردم هم که در
کمپین اند. رژیم اسلامی مثل
خاندان سلطنتی نیست که با
توافق تاج و تخت را
جایگذارند و سرانش سوار
هواپیما شوند و بروند! یک
روزه ذوب نمیشود. اینها یک
بار در تاریخ شانس عروج
خونین پیدا کرده اند، میمانند
و میجنگند. عراق به ایران، و
عراقیزه کردن برای ایران
نزدیک تر است تا لبنان و
اوکراین. طرفداران رفراندم و
مبلغین این سناریو ها،
میدانند که ایران و حکومت
ایران از آن جنس حکومت ها
نیست. این تبلیغات برای
عراقیزه کردن ایران است.
ایران یا عراقیزه میشود، یا
مردم پیروز میشوند. به
اعتقاد من راه میانه ای وجود
ندارد. منشور سرنگونی که

مردم نمیتواند آستن
تحوالاتی مشابه لبنان یا
اوکراین در ایران گردد؟

ثریا شهابی: به نظر من فشار
بین المللی بی تردید میتواند
نقش بسیار موثری در
وضعیت ایران داشته باشد.
فشار بین المللی از انزوای
سیاسی حکومت ایران تا
تهدید حمله نظامی، متنوع
است. چیزی که امروز بیشتر
بنام فشار بین المللی معروف
شده است و پس از حمله به
عراق و موقعیت قدرقدرتی و
تروریسم دولتی و
میلیتاریسم آمریکا دست بالا
را پیدا کرده است، حمله
نظامی و تهدید نظامی است.
به این اعتبار سیاست بین
المللی بیش از پیش نظامی و
میلیتاریستی شده است.
فشار و انزوای سیاسی، چیزی
که خواست ما هم هست
میتواند شرایط پیشروی مردم
در مبارزه علیه رژیم را
تسهیل کند و میکند. اما هر
تهدید نظامی، مستقل از
امکان و عدم امکان، به عمر
رژیم اسلامی و میافزاید و
اسلام سیاسی را تقویت
میکند. به نظر من وضعیت
لبنان و اوکراین نمی تواند در
مورد ایران صادق باشد.
تبلیغات راست در این مورد
را باید به عنوان بخشی از
دستگاه پروپاگاندا جنگی
آمریکا، در نظر گرفت تا یک

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!